

نقدی بر کتاب درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری

اله‌مراد سیف*

چکیده

طرح ایده اقتصاد مقاومتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی و درخواست ایشان برای تبیین این ایده توسط دانشگاهیان، اگرچه تلاش‌های زیادی را از سال ۱۳۸۹ تاکنون برانگیخته و محصولات متعددی در قالب کتاب، مقالات علمی، و سخن‌رانی‌ها انتشار یافته است، سؤال اساسی آن است که نظریه‌پردازی در موضوع اقتصاد مقاومتی تا چه اندازه با موفقیت همراه بوده است؟ این مقاله، پاسخ سؤال را با تمرکز بر کتاب درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی اثر عادل پیغامی کنکاش کرده و نشان داده است که هنوز زمینه‌های بسیاری وجود دارند که در نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی مبهم باقی مانده است. ابتدا معرفی و نقد کلی اثر در قالب هریک از فصول کتاب انجام شده است؛ آنگاه در نقد موضوعی اثر عناوین هشت‌گانه‌ای، شامل تعریف اقتصاد مقاومتی، دولت و بازار، مردم‌پایه‌کردن اقتصاد، تولید داخلی و تولید ملی، خرده‌نظام‌های اقتصاد مقاومتی، نسبی یا مطلق‌بودن اقتصاد مقاوم، استقلال اقتصادی، و نیز رشد و عدالت موردکنکاش قرار گرفته است. در هریک از این موضوعات، نشان داده شده است که نکات مهمی وجود دارند که در آثار منتشرشده اقتصاد مقاومتی و به‌طور خاص، در کتاب موردبررسی کم‌تر موردتوجه بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی، تولید ملی، اقتصاد مردمی، استقلال اقتصادی، رشد، عدالت.

۱. مقدمه

گرچه در دهه‌های اخیر و به‌ویژه پس از بحران مالی ۱۹۹۷ شرق آسیا مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات اقتصادی جهان با عناوینی هم‌چون تاب‌آوری اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته، اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» با عمق مفهومی ویژه خود را باید فقط به اندیشه اسلام ناب امام خمینی (قُدّس سِرُّه) و مقام معظم رهبری (دام عَزَّه) انتساب داد و برآمده از فرهنگ غنی انقلاب اسلامی و هم‌پیوند با فرهنگ مقاومت که از نوآوری‌های طلایی برآمده از تاریخ دفاع مقدس است دانست. ضرورت مطالعه و بررسی اقتصاد مقاومتی از یک سو، برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ناشی از آسیب‌پذیری داخلی یا خصومت شیطنانی استکبار جهانی به سرکردگی امریکا و از سوی دیگر، پی‌ریزی سنگ‌بنای یک نظام و الگوی اقتصادی الهام‌بخش برای همه ملل ستم‌دیده و تحت‌سیطره در عصر حاضر است (سیف ۱۳۹۵: ۱۹).

«اقتصاد مقاومتی» که به‌منزله برنامه‌ای برای درمان مشکلات اقتصادی کشور از جانب مقام معظم رهبری مطرح شده است، تبلور همان اهداف و آرمان‌هایی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و فرمایشات امام راحل (ره) به‌روشنی دیده می‌شود^۱ و باید در افق و دورنمای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های اجرایی و عملیاتی مستخرج از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، این اهداف و آرمان‌ها مدنظر قرار گیرند. در یک تعبیر ساده، اقتصاد مقاومتی به ایجادکردن وضعیت پایدار در رشد تولید ملی و رفاه عمومی در اوضاع و احوالی اشاره دارد که رویدادهای مخاطره‌آفرین و نیز تکانه‌های سیاست ساخته‌شده از جانب قدرت‌های نظام سلطه می‌توانند با تحلیل‌بردن ظرفیت‌های رفاه ملی، امنیت انسانی، و امنیت اقتصادی و از آن طریق امنیت ملی را به‌خطر اندازند. این مفهوم شامل تحقق شرایطی است که اقتصاد کشور را هم‌زمان به درجه قابل‌قبولی از کارآمدی، تاب‌آوری، و پویایی اقتصادی می‌رساند.

طرح ایده اقتصاد مقاومتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی و درخواست ایشان برای تبیین این ایده به‌دست دانشگاهیان تلاش‌های زیادی را از سال ۱۳۸۹ تاکنون برانگیخته است، اما جای این سؤال باقی است که تا چه میزان نظریه‌پردازی در موضوع اقتصاد مقاومتی با موفقیت همراه بوده است؟ در این مقاله با تمرکز بر کتاب *درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی* اثر عادل پیغامی نشان داده شده است که هنوز زمینه‌های بسیاری وجود دارند که در نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی مبهم باقی مانده است. در ادامه مقاله، این کتاب نقد و

ارزیابی خواهد شد. در بخش دوم، معرفی و نقد کلی اثر آمده است و مطالب برجسته هریک از فصول مورد اشاره قرار گرفته است. در بخش سوم، نقد موضوعی اثر در قالب هشت عنوان مهم، شامل تعریف اقتصاد مقاومتی، دولت و بازار، مردم‌پایه کردن اقتصاد، تولید داخلی و تولید ملی، زیرنظام‌های اقتصاد مقاومتی، نسبی یا مطلق بودن اقتصاد مقاوم، استقلال اقتصادی، و نیز رشد و عدالت صورت گرفته است و در بخش چهارم که بخش پایانی است نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها آمده است.

۲. معرفی و نقد کلی اثر

کتاب *درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی، مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری* را عادل پیغامی نگاشته است و بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) آن را در سال ۱۳۹۵ به زبان فارسی منتشر کرده است. این کتاب در سیزده فصل تنظیم شده است که همه فصول بر محور اقتصاد مقاومتی هستند. کتاب از نظر شکلی و چاپ و صفحه‌آرایی و پی‌نوشت‌ها مناسب است. با وجود این، منطق خاصی در تنظیم فصول دیده نمی‌شود و در هر فصل نیز عنوان‌ها به صورتی پراکنده و فاقد نظم مفهومی آورده شده‌اند. لحن کتاب گفتاری است و برخلاف عنوان آن، نظریه‌ای طراحی یا تبیین نشده است و فقط مباحث مرتبط با اقتصاد مقاومتی بیان و تشریح شده است. آنچه در کتاب پررنگ است صبغه انقلابی نویسنده در طرح مباحث است که در جای خود ارزشمند است، ولی در برخی موارد استحکام علمی کم‌تر دیده می‌شود. ویراستاری کتاب دارای ایراد است و انجام آن مستلزم تبدیل لحن گفتاری به نوشتاری و هم‌زمان، اصلاح جملات و کلمات است. در برخی موارد شکل گفتاری کتاب به نوعی محاوره تبدیل شده است.^۱ فهرست مطالب تهیه شده تفصیلی است و اصل و فرع آن مشخص نیست و از این نظر خواننده را در انتخاب و پی‌گیری مباحث با مشکل مواجه می‌کند. در ابتدای هر فصل چکیده‌ای مختصر و واژگان کلیدی (به سبک نگارش مقاله) آورده شده است و از آوردن مقدمه برای فصل‌ها صرف نظر شده است.

برای فصل اول عنوان «ابراهامی مفهومی اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری» انتخاب شده است. در علت انتخاب واژه «ابر مفهومی» توضیحی ارائه نشده است. فصل اول اگرچه بنا داشته است از منظر مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را مفهوم‌پردازی کند، کم‌تر به صورت مستقیم از ایشان مطالبی نقل شده است و همه‌جا نظرات نویسنده بازگو می‌شود. بنابراین بهتر آن بود که متن فرمایشات در یک نظم مفهومی کنار یک‌دیگر قرار

می‌گرفت و به‌نوعی تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری در این فصل پی‌ریزی می‌شد.

عنوان فصل دوم «اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی مقدمه لازم برای رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی» است. در این فصل، مفاهیم استقلال اقتصادی، خودکفایی، و خوداتکایی توضیح داده شده است و بحث مقاوم‌بودن اقتصاد ایران مطرح شده است. در این زمینه، نویسنده اعتقاد دارد که «اقتصاد ایران اقتصادی مقاوم است» (پیغامی ۱۳۹۳: ۱۱۷) و سپس، لزوم مقاومت حداکثری را مطرح کرده است و بیان می‌دارد: «ما هر چه قدر هم مقاوم باشیم، مقام معظم رهبری بالاتر از این را خواهند هستند» (همان). این بیان سؤال‌برانگیز است. اگر اقتصاد ایران مقاوم است، چه لزومی بر این همه تأکید از جانب مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ اگر اقتصاد ایران مقاوم است، چگونه با تشدید تحریم نفت ارزش پول ملی به نصف و بعد هم به یک‌سوم در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ به بعد سقوط کرد؟ از نظر نویسنده، نوسان‌ها و تلاطم‌های اقتصاد علامت پیشرفت اقتصاد است و برای اثبات آن به وضعیت همه کشورهای پیشرفته اشاره می‌کنند (همان: ۱۱۸). در ادامه این فصل، مؤلفه‌های قدرت اقتصادی شامل تولید، تعامل‌های اقتصادی، و پایداری اقتصاد مورد بحث مختصر قرار گرفته است.

عنوان فصل سوم «بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی، تبیین به زبان دانشگاهی راه‌کار عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی» است. منظور از «زبان دانشگاهی» چندان روشن نیست، و سبک و سیاق بحث مانند دو فصل قبلی پیش رفته است و تفاوتی ماهوی با آن ندارد. از نکات این فصل اعتراف نویسنده به نوسان‌ها در بازارهای مسکن، طلا، و ارز است؛ ولی علت این نوسان‌ها را سه عامل سوءمدیریت‌های داخلی، فشارهای خارجی، و در حال بزرگ شدن اقتصاد ایران می‌دانند. با این حال، سهم هریک از این سه عامل به‌روشنی بیان نشده است. در ادامه، ابعاد اقتصاد مقاومتی را در بخش دوم آورده، ولی به‌وضوح این ابعاد را بر نمی‌شمارد و در پیوست نیز سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری در صفحه‌های ۱۶۹ تا ۲۰۲ آمده است.^۳

در فصل چهارم «الزامات نظریه‌پردازی در اقتصاد مقاومتی» آورده شده است. در این فصل، بر لزوم نظریه‌پردازی تأکید شده است و زمان‌شناسی و داشتن نگاه بلندمدت به‌منزله الزام آن ذکر شده است و سپس با طرح این بحث که در بین اقتصاددانان دو نگاه خوش‌بینانه و بدبینانه به اقتصاد وجود دارد، ادعا شده است که مقام معظم رهبری به اقتصاد نگاه خوش‌بینانه دارند و علت آن را هم این می‌دانند که ایشان بر لزوم زیادشدن جمعیت

ایران تا ۱۵۰ میلیون نفر اشاره کرده‌اند (همان: ۲۱۳). چنین استدلالی فاقد استحکام لازم است. نگاه مقام معظم رهبری بیش‌تر واقع‌بینانه است و در کنار امیدداشتن به آینده همواره مخاطرات فعلی اقتصادی را گوش‌زد کرده‌اند. البته نویسنده در چند صفحه بعد خود به این نکته اقرار کرده‌اند. در ادامه، برخی توصیه‌ها و در نهایت هم درسی از عاشورا برای انقلاب اسلامی مطرح شده است.

در فصل پنجم با عنوان «تبیین حماسه اقتصادی، اقتصاد مقاومتی حماسه اقتصادی» نوعی نگاه ارزشی به اقتصاد مقاومتی طرح شده است و اقتصاد مقاومتی را در تناظر مفهومی با حماسه اقتصادی قرار داده است. این فصل با عنوان‌هایی چون حماسه عاشورا، حماسه و اقتصاد، لزوم غیرت در همه زمینه‌ها، پیوند اقتصاد مقاومتی، حماسه اقتصادی، حماسه، و پیشرفت ادامه پیدا کرده است. نگاه ارزشی در این عنوان‌ها غالب است و کم‌تر مطالبی با ماهیت خاص اقتصادی در آن دیده می‌شود.

برای فصل ششم عنوان «مردمی کردن اقتصاد، در اقتصاد مقاومتی رکن اصلی در اقتصاد مقاومتی مردمی شدن» انتخاب شده است و ضمن بیان ویژگی‌های یک اقتصاد مردمی راه‌کارها و توصیه‌هایی (هرچند کلی) برای اقتصاد ایران مطرح شده است. اگرچه مطالب مفیدی آورده شده است، هنوز الگوی مشخصی به مثابه اقتصاد مردمی (که به‌طور ویژه برای اقتصاد مقاومتی طراحی شده باشد) دیده نمی‌شود.

موضوع فصل هفتم «راه‌کارهایی در تحقق اقتصاد مقاومتی، نقش اقتصاد تعاونی، اقتصاد مردمی و بخش خصوصی در اقتصاد مقاومتی» است. این عنوان قرابت زیادی با فصل ششم دارد و بهتر آن بود که مطالب این دو در یک فصل تنظیم می‌شد تا از برخی تکرارها مانند «مردمی شدن اقتصاد» جلوگیری شود. نقش بخش تعاونی در این فصل پررنگ است و مطالب خوبی با عنوان‌های متنوع در زمینه تعاونی طرح شده است. در ادامه، بخش خصوصی که تا حدودی در فصل ششم بررسی شده است، مجدداً مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل هشتم «حمایت از تولید ملی با مبارزه سیستمی علیه فساد و رانت» آمده است. این فصل، به‌طور مشخص موضوع فساد و رانت و اثرات رانت در اقتصاد را مورد بحث قرار داده است و در ادامه، شفافیت اقتصادی و جلوگیری از فساد مطرح شده است. بهبود فضای کسب‌وکار هم از مباحث این فصل است که در ادامه آن تمرکز بر واحدهای کوچک اقتصادی مطرح شده است.

عنوان فصل نهم «مدیریت ارز در اقتصاد مقاومتی، تضعیف پول ملی کمکی به تولید ملی» است. در این فصل، ابتدا برخی مفاهیم مرتبط با ارز توضیح داده شده است، سپس

ورودی‌ها و خروجی‌های ارز کشور طرح شده است، و مهم‌ترین عناصر مدیریت ارزی شامل بانک مرکزی و نظام ارزی در ایران بررسی می‌شود. نویسنده مکانیسم اثرات بالارفتن نرخ ارز را توضیح می‌دهد و بیان می‌دارد که افزایش نرخ ارز صادرات را تقویت کرده است و واردات را کاهش داده است و بنابراین ورود ارز به کشور زیادتر و خروج ارز از کشور کم‌تر شده است و این امر موجب می‌شود که مازاد تقاضای ارز کاهش یابد. نتیجه این ماجرا از نظر نویسنده حمایت از کار و سرمایه ایرانی است. در ادامه، آثار بالارفتن نرخ ارز مطرح شده است و در موضوع تضعیف ارزش پول ملی و مدیریت ارزی بیان می‌دارد: «یک بی‌سوادی بزرگ این است که مردم تقریباً قریب‌به‌اتفاق از تضعیف نرخ ارز می‌ترسند و تضعیف نرخ ارز را مساوی تضعیف اقتصاد ایران می‌دانند» (همان: ۳۷۳). این بحث قدری عجیب است. اگر چنین باشد، چرا دولت با افزایش بیش‌تر و بیش‌تر نرخ ارز از تولید ملی حمایت نمی‌کند؟ پاسخ این است که هرگونه افزایش نرخ ارز به‌مثابه افزایش هزینه در اقتصاد است و هم‌زمان تولیدکننده را (از طریق افزایش بهای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی) و مصرف‌کننده را (از طریق افزایش بهای واردات کالای نهایی) تحت فشار هزینه قرار خواهد داد. به‌ویژه با وجود انتظارات تورمی بالا افزایش نرخ ارز به تورم دامن می‌زند و از طریق افزایش هزینه‌های تولید وضعیت رکود تورمی را نیز تشدید خواهد کرد. در این صورت، مزیت ابتدایی شکل گرفته برای صادرکننده از طریق افزایش هزینه‌ها و با تشدید تورم به‌مرور، ولی به‌سرعت خنثی می‌شود و اقتصاد در وضعیت جدیدی از تضعیف پول ملی مجدداً مزیت واردات را بر تولید داخلی تجربه خواهد کرد. جالب است که ایشان در ادامه، بی‌ثباتی نرخ ارز را بدترین عامل در اقتصاد می‌دانند. اگر چنین است، دامن‌زدن به ریشه این بی‌ثباتی، یعنی تورم را نباید به‌راحتی توصیه کرد.

در فصل دهم با عنوان «اقتصاد دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی، تبدیل علم به ثروت و تجاری‌سازی آن لازم است»، سیر تحول زندگی اقتصادی بشر تا مرحله دانش‌بنیانی را مطرح می‌کند و مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان و خلق ثروت را از دانش به‌خوبی تشریح می‌کند.

در فصل یازدهم با عنوان «اقتصاد مقاومتی و اقتصاد تحریم، عبور از تحریم با اجرای اقتصاد مقاومتی» سوابق تحریم‌های تحمیل‌شده را در جهان ذکر کرده است و علل شکست تحریم‌ها و ضرورت داشتن اقتصاد مقاومتی را برای مقابله با تحریم‌ها به‌اختصار مطرح کرده است.

در فصل دوازدهم با عنوان «راه‌کارهای تحقق اقتصاد مقاومتی، عملیات روانی و رسانه‌ای بهترین ابزار در اقتصاد» به‌اختصار نقش رسانه را در جنگ اقتصادی و در اقتصاد

مقاومتی تشریح کرده است و لزوم به‌کارگیری ابزار رسانه را برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی گوش‌زد می‌کند.

در فصل سیزدهم، که فصل پایانی کتاب است، با عنوان «بررسی طرح هدف‌مندی یارانه‌ها در اقتصاد ایران، اجرای صحیح هدف‌مندی یارانه‌ها اجرای اقتصاد مستضعفین و پابرهنگان» به تعریف و تشریح یارانه و لزوم پرداخت آن در اقتصاد پرداخته است و طرح هدف‌مندکردن یارانه‌ها و جایگاه آن را در اقتصاد مقاومتی مورد‌بحث قرار داده است و پرداخت یارانه را به همه اقدامی نادرست می‌داند که منطبق بر منطق عدالت نیست. به‌طور کلی، کتاب:

- از نظر شکلی خوب تنظیم شده است.
- منطق خاصی در تنظیم فصل‌ها دیده نمی‌شود.
- فهرست مطالب تهیه‌شده تفصیلی است و اصل و فرع آن مشخص نیست.
- عنوان‌های درون فصل اغلب پراکنده و فاقد نظم مفهومی است.
- لحن کتاب گفتاری و به‌صورت سخن‌رانی است.
- صبغه ارزشی نویسنده در بحث نمایان است که در برخی موارد از شاکله علمی خود فاصله می‌گیرد.
- ویراستاری کتاب دارای ایراد است.
- منابع ذکرشده در پایان کتاب در تناسب با حجم کتاب محدود است.
- در مجموع، تلاش نویسنده قابل‌تقدیر است و خواندن کتاب را می‌توان به‌منزله کتاب کمک‌درسی یا برای عموم مردم برای آشنایی با اقتصاد مقاومتی توصیه کرد.

۳. نقد موضوعی اثر

اقتصاد مقاومتی اگرچه جای خود را در فرهنگ سیاسی - اقتصادی جامعه معاصر ایران اسلامی باز کرده است، موضوعات مهمی وجود دارند که باید از این منظر مورد بازاندیشی و تبیین قرار گیرند تا گستره مفهومی اقتصاد مقاومتی خود را بیش‌ازپیش نمایان کند. در این مقاله، برخی از موضوع‌های مهم مطرح شده است و پیرامون آن با نگاه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری و مطالب ارائه‌شده در کتاب مورد اشاره به‌اختصار بحث خواهد شد.

۱.۳ تعریف اقتصاد مقاومتی

برخی اقتصاد مقاومتی را در چنان حاله‌ای از تقدس قرار می‌دهند که جای طرح هرگونه تجربه جهانی را در آن منتفی می‌دانند. درمقابل، دیگرانی ممکن است باشند که اقتصاد مقاومتی را مفهومی سیاسی یا معادل با اقتصاد ریاضتی بدانند. واقعیت آن است که اقتصاد مقاومتی در قالب اصطلاحاتی مانند تاب‌آوری اقتصادی (economic resilience)، پایداری اقتصادی (economic sustainability)، امنیت اقتصادی (economic security)، سلامت اقتصادی (economic soundness)، ثبات اقتصادی (economic stability)، پیچیدگی اقتصادی (economic complexity)، و از این قبیل هم‌اکنون جای پای خود را در ادبیات اقتصادی جهان باز کرده است و الگوهای عملی پیاده‌سازی شده آن نیز در اقتصادهای پیشرفته و کشورهای نوظهور فراوان دیده می‌شود. از این نظر، کشور جمهوری اسلامی ایران شاید دیرتر از دیگر کشورها به این الگو توجه نشان داده است و علت نیز می‌تواند وجود درآمد سرشار نفتی و احساس ضرورت نکردن آن قبل از تنگ‌شدن حلقه تحریم‌ها باشد. با این حال، عمق مفهومی اقتصاد مقاومتی در اندیشه مقام معظم رهبری قابل مقایسه با مفاهیم معادل آن در ادبیات اقتصادی معاصر نیست و ریشه آن را نیز باید در فرهنگ مقاومت و پایداری در برابر نظام سلطه، که از ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران است، جست‌وجو کرد. اقتصاد مقاومتی مفهومی نوظهور است که باید به‌درستی تبیین شود و موضوع نظریه‌پردازی علمی قرار گیرد. از جمله تلاش‌هایی که در این باره انجام شده است مطالبی است که در کتاب موردبررسی این مقاله تبیین گردیده است. در ادامه، بررسی خود را از تعریف اقتصاد مقاومتی شروع می‌کنیم.

نویسنده چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی، شامل اقتصاد موازی (وجود نهادهای موازی در کنار نهادهای رسمی موجود)، اقتصاد ترمیمی (ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد)، اقتصاد دفاعی (شناخت آفندهای اقتصادی دشمن و طراحی پدافند مناسب در برابر آن)، و اقتصاد الگو (اقتصاد ایده‌آل در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت) ارائه داده است که از نظر ایشان ترکیبی از استراتژی‌ها را می‌توان از این تعریف‌ها به‌دست آورد و در عین حال، تعریف چهارم (اقتصاد الگو) به‌نظر ایشان چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست (پیغامی ۱۳۹۳: ۴۷-۵۰). سپس در بحث «ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی» نوعی بیان آرمانی صورت گرفته است که افق زمانی و چگونگی تحقق آن را مبهم کرده است (همان: ۵۱). اگرچه داشتن افق

بلندمدت و چشم‌انداز برای اقتصاد مقاومتی می‌تواند مفید باشد، واقع‌بینی و دیدن افق‌های نزدیک نیز شرط هرگونه اقدام و عمل است. به‌نظر می‌رسد، در موضوع تعریف اقتصاد مقاومتی بیانات رهبر معظم انقلاب به‌اندازه کافی راه‌گشا بوده است و فراتر رفتن از این تعریف‌ها لزومی نداشته باشد. در این جا برخی از این تعریف‌ها را مرور می‌کنیم.

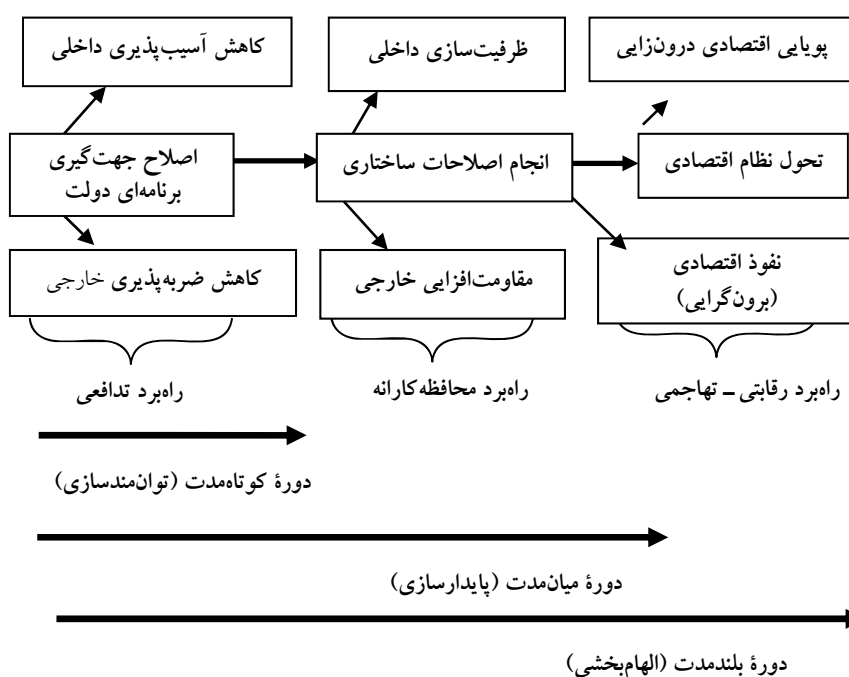
مقام معظم رهبری برای نخستین بار از اقتصاد مقاومتی در دیدار با کارآفرینان استفاده کردند و در انگیزه طرح این موضوع هم به فشار اقتصادی و تحریم اقتصادی دشمن تصریح شده است.^۴ ایشان به‌وضوح تبیین علمی اقتصاد مقاومتی را از جامعه دانشگاهی مطالبه فرموده‌اند^۵ و از نظر ایشان، جای کار علمی در زمینه اقتصاد مقاومتی هنوز وجود دارد.^۶

اوج تعریف مقام معظم رهبری در مقدمه سیاست‌های کلی ابلاغی منعکس شده است که اقتصاد مقاومتی را «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام»^۷ معرفی کرده‌اند. از نظر ایشان: «اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکان‌های خارجی افزایش می‌دهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است»^۸. این تعریف به‌غایت روشن و عملی است.

بنابراین، از نظر آنچه باید رخ دهد، تبیین لازم از جانب مقام معظم رهبری که افق حرکت را باید روشن کنند انجام گرفته است، ولی از نظر چگونگی (به‌مفهوم داشتن الگویی علمی و عملی برای رسیدن به آنچه هدف‌گیری شده است) هنوز کار چندانی انجام نگرفته است و این همان مفهوم دقیق نظریه‌پردازی است. در ادامه این مقاله مواردی را بررسی می‌کنیم که در بحث اقتصاد مقاومتی باید موضوع نظریه‌پردازی قرار گیرند.

به‌نظر این‌گونه می‌رسد که در نگاه به اقتصاد مقاومتی نوعی تحول فرایندی را باید در مقاطع کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت شاهد باشیم. آنچه در کوتاه‌مدت می‌توان انتظار داشت، عمدتاً متکی به دولت است و شامل اصلاح جهت‌گیری برنامه‌ای دولت می‌شود. نتایج این اقدامات می‌تواند شامل کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی و کاهش ضربه‌پذیری مستقیم در برابر عوامل تخریب‌کننده خارجی در اقتصاد باشد. شاید بیش‌ترین چیزی که در این مرحله موردانتظار است، هم‌راستایی و انطباق برنامه‌های توسعه پنج‌ساله با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. البته در این مرحله مشوق‌هایی برای فعالان بخش خصوصی هم ایجاد خواهد شد که می‌تواند به تصحیح عملکرد آن‌ها منجر شود. در مرحله میان‌مدت، انجام اصلاحات ساختاری به‌دست

دولت در زمینه‌هایی از قبیل اصلاح قوانین معارض، اصلاح نظام مالیاتی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی، اصلاح نظام گمرکی، هدف‌مندی کامل یارانه‌ها، اصلاح نظام تأمین اجتماعی، اصلاح نظام بانکی موردانتظار است. چنین اصلاحات ساختاری‌ای هم مهم و هم به‌غایت دشوار است و ممکن است چند برنامه پنج‌ساله زمان لازم داشته باشد. انتظارات نهایی از انجام این مرحله ظرفیت‌سازی در اقتصاد و افزایش مقاومت ذاتی اقتصاد کشور است. در مرحله بلندمدت از اقتصاد مقاومتی، تحول اساسی نظام اقتصادی موردانتظار است و انجام آن نیازمند تدوین نظریه جدید اقتصادی و پی‌ریزی ایده‌ای است که در مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با تعبیر «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» از آن یاد شده است. اهداف این مرحله می‌تواند شامل ایجاد شرایط پویایی اقتصادی (یا درون‌زایی) از یک‌سو، و گسترش نفوذ اقتصادی (یا برون‌گرایی) از سوی دیگر باشد. این نگاه فرایندی که از مرحله تدافعی آغاز می‌شود و با عبور از مرحله محافظه‌کارانه وارد مرحله رقابتی — تهاجمی می‌شود در نمودار ۱ خلاصه شده است:



نمودار ۱. مراحل تحقق اقتصاد مقاومتی

همان‌طور که در نمودار هم پیداست، همه مراحل می‌توانند هم‌زمان آغاز شوند، اما هم‌زمان به انجام نمی‌رسند و نتایج به یک‌باره محقق نخواهند شد.

۲.۳ دولت و بازار

حدود و ثغور دخالت دولت در اقتصاد موضوع مهم مکاتب در اقتصاد سیاسی است که از نوعی جواز نداشتن برای مداخله دولت در اقتصاد^۹ تا لزوم دخالت حداکثری دولت^{۱۰} در آن دیده می‌شود. اقتصاد مقاومتی هم از این امر مستثنی نیست و باید به روشنی به این سؤال پاسخ دهد که نقش و حضور دولت تا کجا پذیرفته است؟ این سؤال از آن‌جا اهمیت اساسی دارد که در عمل نوعی بده – بستان (trade off) میان اهداف ایجاد خواهد شد. دولت‌ها در اقتصاد برای اطمینان از تحقق اهداف کلان اقتصادی (مانند رشد، ثبات، عدالت، و حتی تاب‌آوری) مداخله می‌کنند و هرچه این اهداف کلان در اقتصاد زیادت‌تر و پررنگ‌تر باشند، ردپای دخالت دولت بیش‌تر خواهد بود، اما از سوی دیگر، هرگونه قاعده‌گذاری و بالتبع هرگونه دخالت مستقیم از جانب دولت‌ها به مفهوم تنگ‌تر شدن زمینه فعالیت برای بخش خصوصی (و مردمی کردن اقتصاد) است و از این نظر، می‌تواند با کارایی اقتصادی مغایر باشد و محدودکننده رشد اقتصاد ملی باشد. بنابراین تعریف روشن و دقیق نقش دولت در اقتصاد مقاومتی لازم است. باید معلوم شود، کدام یک از دخالت‌های دولت محدودکننده رشد اقتصاد ملی است؟ هم‌چنین، برای هر یک از دخالت‌های دولت حد و اندازه بهینه آن کدام است؟ اصولاً اقتصاد علم بهینه‌یابی است. هیچ نسخه مطلق در اقتصاد وجود ندارد و هر نوع اقدام در عرصه فعالیت اقتصادی دارای اندازه بهینه‌ای است که باید تعریف و مشخص شود.

در اقتصاد مقاومتی از همان ابتدا به مجموعه اهدافی برخورد می‌کنیم که باید تحقق پیدا کنند. بند ۲۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مشمول بر ۲۴ بند) دولت را به‌طور مستقیم برای مقابله با تحریم مورد خطاب قرار داده است. در هر بند از دیگر بندهای ۲۴ گانه نیز اهدافی تعریف شده است و از آن‌جاکه کم‌تر هدفی وجود دارد که بتوان از طریق مکانیسم بازار تحقق آن را ضمانت کرد، لزوم دخالت دولت برای تحقق احاد اهداف تعریف شده در هر یک از این سیاست‌ها آشکار می‌شود. انواع این دخالت نیز در یک طیف از قاعده‌گذاری، سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، بستن عوارض و مالیات تا دخالت مستقیم را شامل می‌شوند. هر قدر به سمت دخالت مستقیم نزدیک‌تر شویم، شانس تحقق اهداف

بیش‌تر می‌شود، اما هزینه مبادله برای فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد نیز بیش‌تر خواهد شد و برعکس. بنابراین با نوعی تضاد در اهداف کارآیی اقتصادی (با معیار رشد اقتصادی) و اثربخشی (به مفهوم تحقق اهداف موضوعه) مواجه هستیم و تعریف اندازه بهینه دخالت دولت برای ایجاد یک توازن منطقی میان کارآیی اقتصادی و اثربخشی ضروری و لازم است. نکته ظریف‌تر این است که در هریک از اهداف اندازه بهینه دخالت متفاوت خواهد بود و یک نسخه واحد برای همه اهداف متصور نیست. این خود می‌تواند سبب آشفتگی‌هایی در سیاست‌گذاری شود و سهولت کسب‌وکار را برای بخش خصوصی اقتصاد با ابهام بیش‌تری مواجه کند.

در موضوع مسئولیت دولت در اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری به صورتی طرح بحث فرموده‌اند که می‌تواند یک خط راه‌نما برای طرح‌ریزی الگوی عملی اقتصاد مقاومتی باشد: «اقتصاد مقاومتی ... بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست... اما (این‌که) دولتی نیست به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت، و کمک دارد.»^{۱۱} هریک از پنج مسئولیتی که ایشان برای دولت در این بیان موجز ذکر فرموده‌اند نیاز به روشن‌گری دارد و هریک می‌توانند جای ویژه‌ای در نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی داشته باشند. حدود و ثغور هریک نیز محل بحث است. شاید نزدیک‌ترین راه برای این منظور آن باشد که بندهای ۲۴ گانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از این منظر مورد‌اکاوی قرار گیرد و زمینه‌های هریک از پنج مسئولیت بر شمرده شود و در هریک بندهای سیاستی آن مشخص شود. در ضمن، مسئولیت‌های پنج‌گانه باید به گونه‌ای مدیریت شوند که نتیجه را از یک اقتصاد دولتی متمایز کند و به یک اقتصاد مردمی بازارگرا نزدیک‌تر سازد.

۳.۳ الگوی مردم‌پایه کردن اقتصاد

در صفحه‌های متعددی از کتاب به کارهایی که مردم می‌توانند در اقتصاد مقاومتی مخاطب آن‌ها باشند توجه داده شده است: خریدن کالای داخلی (پیغامی ۱۳۹۳: ۶۵)، حفظ اتحاد ملی مقابل جنگ روانی دشمن (همان: ۶۹)، سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی (همان: ۷۰)، تلاش خالصانه در کنار توکل به خدا (همان: ۷۸)، برخورد عقلانی توسط مردم برای جلوگیری از جو روانی (همان: ۹۵)، شناخت ابزار دشمن (همان: ۹۶)، مدیریت مصرف در هر وضعیتی (همان: ۱۵۵)، روحیه جهادی و پرهیز از لقمه حرام (همان: ۳۲۶)،

مشارکت در اردوی جهادی (همان: ۴۴۵)، اصلاح الگوی مصرف (همان: ۴۶۸)، پرداخت مالیات (همان: ۴۸۳)، و رعایت استحقاق‌ها و تجاوز نکردن به حقوق دیگران در یارانه‌ها (همان: ۴۸۷). روشن است که این موارد همه نقش مردم نیست، بلکه اقداماتی است که مردم راساً برعهده دارند و اهدافی مانند فعال‌سازی امکانات داخلی، توسعه کارآفرینی، اقتصاد دانش‌بنیان، خودکفایی در کالاهای استراتژیک، مدیریت واردات، امنیت اقلام راه‌بردی، یا حتی مقابله با تحریم نیز جز با هم‌راهی و مشارکت مستقیم اقتصادی مردم در نقش تولیدکننده یا مصرف‌کننده امکان‌پذیر نیست.

نکته دیگر این‌که اقتصاد مردمی اقتصاد برای مردم (مانند الگوهای سوسیالیستی) یا اقتصاد بر مردم (مانند الگوهای سرمایه‌داری) نیست، بلکه اقتصادی است که پایه و اساس آن مردم هستند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که انقلاب نشان بدهد که هویت درونی این کشور و این ملت قادر است خود را اداره کند و رشد بدهد و تعالی بدهد. این معنای اقتصاد مقاومتی [است]. این باید تحقق پیدا کند.»^{۱۲} «اقتصاد مقاومتی مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند.»^{۱۳} نکته جالب در بیان مقام معظم رهبری آن است که مردم سه‌گونه با اقتصاد مقاومتی پیوند دارند؛ اراده مردم، سرمایه مردم، و حضور مردم. هر سه این زمینه‌ها باید موضوع نظریه‌پردازی در اقتصاد مقاومتی باشند. در همین باره، آنچه باید روشن شود (و کم‌تر بدان پرداخته شده است) نظام انگیزشی ویژه‌ای است که مردم را به سمت و سوی «بایدها» سوق می‌دهد و هدایت می‌کند.

در موضوع مردمی کردن اقتصاد آنچه بیش‌تر ذهن مخاطب را درگیر می‌کند، تمایز یا تشابه مردمی کردن اقتصاد با خصوصی‌سازی است. خصوصی‌سازی با تجربیات موفق و ناموفقی در دنیای معاصر تداعی می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه عملکردی قابل دفاع نداشته است و به‌نوعی ضمن تحمل آسیب‌های آن (مانند واگذاری رانتی شرکت‌ها و عملکرد ضعیف‌تر تولید و اشتغال پس از واگذاری) نتوانسته مزیت‌های آن (از قبیل ایجاد کردن شرایط رقابت و کارآیی اقتصادی در تولید ملی) را تجربه کند. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هم بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری درست پیش نرفته است و در عمل، پیاده نشده است.^{۱۴} بنابراین، در عرصه نظریه‌پردازی بررسی موضوع مردمی کردن اقتصاد و تعریف الگوهایی برای مشارکت گسترده مردم در اقتصاد از اقدامات مهمی است که باید انجام گیرد. در کتاب مورد بحث ضمن تصریح تفاوت خصوصی‌سازی با مردمی کردن اقتصاد، به مواردی از قبیل «ایجاد شرایط عادلانه برای تمامی افراد»، «فراهم‌سازی مقدمات

برای این که مردم رشد و بلوغ لازم را پیدا کنند»، و «برقراری عدالت در حوزه آموزش‌های مهارتی» اشاره‌ای کلی شده است (پیغامی ۱۳۹۵: ۲۵۵-۲۵۷) و در بخش مربوط به مقابله با فساد هم اذعان دارد که: «کوچک کردن مقیاس‌ها اقتصاد را مردمی‌تر می‌کند. واحدهای کوچک و متوسط توزیع ثروت را بین مردم پخش می‌کند» (همان: ۳۴۵)، اما الگوی خاصی برای شکل‌گیری مشارکت مردم در اقتصاد مورد بحث قرار نگرفته است و هنوز این سؤال جدی وجود دارد که دقیقاً چه اتفاقی باید بیفتد؟ به نظر می‌رسد، در این زمینه تجربیات عملی دیگر کشورها در الگوهای مشارکت اقتصادی می‌توانند مفید باشند.

۴.۳ تولید داخلی و تولید ملی

موضوع حمایت از تولید ملی و تولید داخلی با تأکید زیاد در بیانات مقام معظم رهبری آمده است و تولید ثروت در این بیانات، به‌منزله نتیجه حمایت از تولید ملی و تولید داخلی، مورد اشاره بوده است: «مردم در همه سطوح تولید ملی را ترویج کنند ... خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم‌سازی اقتصاد است و بر روی همه‌چیز این کشور تأثیر می‌گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه مردم است.»^{۱۵}

هریک از معیارهای تولید ملی و تولید داخلی می‌توانند در جای خود مهم باشند. در تولید ملی سهم هر ملیت از ارزش افزوده تولید و در تولید داخلی اشتغال ایجاد شده اهمیت زیادی دارند. روشن است که از نگاه اقتصاد مقاومتی هم تولید ثروت و هم اشتغال می‌توانند مهم باشند، بنابراین در بیانات به‌صورتی دقیق، به هر دو این مفاهیم اشاره شده است. نکته دیگر این که در عصر حاضر (با توسعه مبادلات تجاری، گسترش بنادر آزاد تجاری، پدیده صادرات مجدد، و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشورها) در هر یک از مفاهیم تولید ملی و تولید داخلی نیازمند توافق در مورد معیاری برای تشخیص هستیم. در نگاه اول، ممکن است ساده به نظر آید که کالایی که یک ایرانی تولید می‌کند بخشی از تولید ملی ایران است یا کالایی که در داخل کشور تولید می‌شود، یک کالای داخلی است؛ اما کالاهای زیادی وجود دارند که همه مراحل تولید آن را یک ملیت یا در داخل یک کشور انجام نمی‌دهند. کشورها ممکن است بسیاری از نهاده‌ها و حتی کالاهای واسطه‌ای را وارد کنند و در داخل کشور به کالای نهایی تبدیل کنند؛ در این صورت، با چه معیاری می‌توان این کالاها را داخلی به حساب آورد؟ آیا اتومبیل‌هایی که قطعات آن‌ها به‌صورت کامل وارد کشور شده‌اند و در داخل سر هم می‌شوند نیز کالایی داخلی یا ملی است؟ اساساً امروزه در تولید

بسیاری از کالاها ملیت‌های مختلفی دخیل هستند و رد پای شرکت‌های چندملیتی در همه جا به چشم می‌خورد.^{۱۶} بنابراین در چنین عصر و زمانی بدون داشتن معیاری روشن نمی‌توان بر بسیاری کالاها برچسب تولید ملی یا تولید داخلی زد. در این زمینه نیز نظریه پردازی لازم صورت نگرفته است و به گونه‌ای تشخیص آن را از بدیهیات دانسته‌اند.

۵.۳ خرده‌نظام‌های اقتصاد مقاومتی

تحقق اقتصاد مقاومتی بدون تردید نیازمند طراحی خرده‌نظام‌های اقتصادی متناسب با خود است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها نظام مالی و بانکی، نظام مالیاتی، و نظام ارزی و تجاری است. مجدداً در این جا نیز یادآور می‌شویم که تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به خودی خود اتفاق نخواهد افتاد. اگر نخواهیم اهداف را به شکل دستوری همانند آنچه در اقتصادهای کاملاً دولتی انجام می‌شود محقق کنیم، نیازمند سازوکاری هستیم که ماتریس نهادی لازم و نظام انگیزشی متناسب را به منظور سوق دادن نیروهای اقتصادی به سمت آن اهداف فراهم می‌کنند. چنین زمینه‌ای فقط از طریق طراحی خرده‌نظام‌های مناسب برشمرده فراهم خواهد شد. سؤال اساسی آن است که آیا نظام مالی و بانکی موجود می‌تواند هم‌راستا با اهداف اقتصاد مقاومتی عمل کند؟ آیا نظام مالیاتی فعلی تشویق‌کننده عوامل به سمت وسوی فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی در اقتصاد مقاومتی است؟ آیا نظام تجاری موجود در جهت تقویت تولید داخلی عمل می‌کند؟ اگر چنین نیست، اصلاح اساسی این خرده‌نظام‌ها یک ضرورت اساسی برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است.

۶.۳ نسبی یا مطلق بودن مفهوم «اقتصاد مقاوم»

اگرچه مقاوم‌سازی اقتصاد ملی وضعیتی مطلوب است، سؤال این است که آیا «اقتصاد مقاوم» مفهومی نسبی است یا مطلق؟ این سؤال از آن جا قابلیت طرح دارد که مانند هر هدف دیگری، مقاوم‌سازی اقتصاد ملی نیز دارای «هزینه فرصت» (opportunity cost) است و قانون صعودی بودن نیز بر آن حاکم است. در این جا ممکن است میان دو مفهوم مقاوم‌سازی ذاتی و مقاوم‌سازی سیاستی تمایز قائل شویم. چنان‌چه اقتصادی از طریق ایجادکردن وضعیت «کارآمدی اقتصادی» به نوعی از مقاومت ذاتی دست یابد که بتواند در برابر اوضاع و احوال نامطلوب ایستادگی بیشتری از خود نشان دهد، در این صورت هزینه فرصتی برای آن متصور نیست.^{۱۷} اما برخی مقاوم‌سازی‌های اقتصادی

سیاست‌ساخته است و عموماً نیز با فاصله‌گرفتن از اوضاع و احوال بازار آزاد اتفاق می‌افتند. این موارد به‌گونه‌ای انتخاب میان کارآیی اقتصادی و شرایط مقاومت اقتصادی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در این موارد، هزینه مقاومت‌سازی و اندازه بهینه مقاومت‌سازی قابل طرح است و این همان مفهوم «نسبیت» در مقاومت‌سازی اقتصادی است. مانند وضعیتی که بخواهند سازه‌های را در برابر تکانه‌های ناشی از زلزله مقاوم کنند، افزایش ضریب مقاومت سازه هزینه‌های بیش‌تر و بیش‌تری را تحمیل خواهد کرد. بنابراین از یک سو، با توجه به تهدید تکانه‌های محتمل و از سوی دیگر، هزینه‌های مقاومت‌سازی باید حد مطلوب و بهینه مقاومت‌سازی مشخص شود. همان‌گونه که امنیت امری نسبی است، مقاومت‌سازی اقتصاد نیز چنین است. مثال ساده آن نگاه‌داشت ذخایر استراتژیک برای مقابله با تکانه‌های محتمل است. ذخایر بیش‌تر ضریب امنیت بالاتری را به‌ارمغان می‌آورد، اما هزینه آن نیز بالاتر است.

در کتاب، پس از آن‌که اقتصاد ایران را اقتصادی مقاوم معرفی کرده است، لزوم مقاومت حداکثری را تصریح کرده است و به‌زعم نویسنده، خواست مقام معظم رهبری چنین است (همان: ۱۱۷). برای استناد چنین مفهوم مهمی به مقام معظم رهبری سندی ذکر نشده است و به‌نظر می‌رسد که برداشت نویسنده است.

۷.۳ استقلال اقتصادی

مفهوم استقلال اقتصادی عموماً در مقابل مفهوم وابستگی اقتصادی مطرح می‌شود. آیا در عصر حاضر نداشتن وابستگی اقتصادی ممکن یا حتی لازم است؟ عصر حاضر عصر گسترش ارتباطات است که مرزهای سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی را تا حدود زیادی کم‌رنگ کرده است. همان‌طور که باری بوزان می‌نویسد: «اقتصاد بین‌الملل دارای ساختار و پویایی ویژه است. [در این سیستم] افراد و شرکت‌ها واحدهای آن هستند، تجارت و مالیه کنش‌ها و واکنش‌های آن و بازار ساختار بنیادی آن است. سیستم اقتصادی دارای آهنگ تاریخی مشخص است و نکاتی چون رشد جمعیت، نوآوری تکنولوژیک، افزایش روزافزون ظرفیت سازمان‌دهی، کشمکش طبقاتی، و توسعه تئوری‌های روشن اقتصادی بر توان آن می‌افزاید. در طول زمان، پویایی اقتصادی باعث ایجاد گرایش قدرت‌مندی به سوی افزایش ثروت و تمرکز بیش‌تر فعالیت‌های موازی شده است. نتیجه نهایی، توسعه اقتصادهای محلی و افزایش سطح مبادله بین آن‌ها بوده است» (بوزان ۱۳۹۰: ۲۶۱).

در این وضعیت تأکید بر حفظ «هویت ملی» در عرصه فرهنگی برخی کشورها را واداشته که برای جلوگیری از نفوذ و سلطه فرهنگ بیگانه برنامه‌ریزی و اقدام کنند. در اقتصاد نیز بر تأمین امنیت اقتصادی تأکید می‌شود. «از سال ۱۹۴۵ ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار سیاسی یافته است» (همان: ۲۶۴). با این حال، امروزه تجارت جهانی مرزهای ملی کشورها را درنوردیده و نرخ رشد بالاتر تجارت در مقایسه با تولید در جهان به یک واقعیت و ویژگی عصر حاضر تبدیل شده است. بوزان یادآوری می‌کند که:

جاذبه بازار جهانی ساده و قوی است و می‌توان آن را در عبارت کارآیی اقتصادی خلاصه کرد. بازار جهانی برای کسانی که در آن مشارکت می‌کنند، دسترسی به انواع خریداران و فروشندگان، وام‌دهندگان، و وام‌گیرندگان را ممکن می‌سازد که بسیار فراتر از توانایی‌های داخلی است. این دامنه گسترده از امکانات باعث گشایش فرصتی برای بهره‌گیری از صرفه‌جویی‌های تولید انبوه و استراتژی‌های تخصصی می‌شود که در اقتصاد بسته امکان‌پذیر نیست. این امر، دسترسی به پول و تکنولوژی را تسریع و تسهیل می‌کند که در داخل دولت به‌سادگی در دسترس نیست و جریان مداومی از تماس‌ها و اطلاعات مفید را تضمین می‌کند. در بهترین حالت، بازار جهانی این نوید را می‌دهد که دولت‌ها می‌توانند از امتیازات رقابتی خود بهترین استفاده را بکنند (همان: ۲۸۱).

چنین جاذبه‌ای (اگرچه در عمل با روش‌هایی مانند تحریم اقتصادی به‌کرات از جانب قدرت‌هایی که خود منادی تجارت آزاد بوده‌اند نقض شده باشد) از یک‌طرف، همه کشورها را به سمت حضور در بازار جهانی سوق داده است^{۱۸} و از طرف دیگر، شرایط وابستگی متقابل اقتصادی را برای همه کشورها رقم زده است. بنابراین در این وضعیت، بازتعریف مفهوم استقلال اقتصادی که در اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید می‌شود لازم است.

عموماً پذیرفته است که در کالاهای استراتژیک (مانند گندم در ایران) کشورها به سازوکار بازار جهانی اعتماد نکنند و خود درصدد تولید داخلی آن باشند. مفهوم «خودکفایی» یا خودبستگی در این جا به معنی تأمین استقلال اقتصادی از نظر نیاز به این کالاهاست. در این زمینه، تولید حتی به قیمت‌های بالاتر از بازار جهانی نیز منطبق خاص خود را دارد. مفهوم دیگر «خوداتکایی» است که لزوماً به مفهوم تأمین بالفعل کالاها در داخل نیست و بیش‌تر به ایجاد ظرفیت لازم برای تولید خودکفا (در صورت لزوم) اشاره دارد. مثلاً، اگرچه در امریکا بخش مهمی از غنی‌سازی اورانیوم موردنیاز در خارج از مرزهای این کشور انجام می‌شود، در صورت لزوم امکان و ظرفیت انجام همه غنی‌سازی

در داخل خاک آن کشور وجود دارد. در کشور ما نیز در مقطعی با تهدید تحریم بنزین مواجه شدیم، بنابراین پالایشگاه‌های داخلی برای تولید بنزین (اگرچه با کیفیت پایین‌تر) به کار گرفته شدند و در نوع خود تجربه موفق‌تری را به نمایش گذاشتند. این اقدام مانع تحریم بنزین شد. پس از برداشته شدن این تهدید جمهوری اسلامی ایران واردات بنزین را (به علت قیمت و نیز کیفیت) از سر گرفت. بنابراین به چنین مواردی که کالاهای اساسی گفته می‌شوند، ایجاد ظرفیت لازم (و نه لزوماً تولید بالفعل همه آن) نیز می‌تواند در دستور کار مسئولان کشور باشد. در دیگر موارد، برای کالاهای تجاری و قابل مبادله ضرورتی برای خوداتکایی و در نتیجه خودکفایی نیست و تأمین آن‌ها از بازار جهانی منافاتی با استقلال اقتصادی ندارد و خطری برای امنیت اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه این موارد موضوع «وابستگی متقابل اقتصادی» است. شاید همه آن‌چه را در موضوع وابستگی متقابل اقتصادی می‌توان گفت بتوان در این ایده خلاصه کرد که وابستگی متقابل یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر دنیای معاصر است که حتی قدرت‌های بزرگ اقتصادی را از آن گریزی نیست.^{۱۹} اما آن‌چه می‌تواند تهدیدی برای استقلال اقتصادی باشد و امنیت اقتصادی را در مخاطره قرار دهد «وابستگی متقابل نامتقارن» است. همان‌طور که ژوزف نای یادآور می‌شود: «تقارن به موقعیت‌های نسبتاً متوازن در قیاس با وابستگی نامتوازن اشاره دارد. وابستگی کم‌تر می‌تواند یک منبع قدرت باشد. اگر دو طرف وابستگی متقابل داشته، اما یکی کم‌تر از دیگری وابسته باشد، آن‌گاه طرفی که وابستگی کم‌تری دارد، دارای یک منبع قدرت است، مادامی که طرفین برای این رابطه وابستگی متقابل ارزش قائل شوند. اداره کردن وابستگی‌های نامتقارن متقابل یکی از ابعاد مهم قدرت اقتصادی است. تقارن مطلق و ایده‌آل کاملاً نادر است، بنابراین بیش‌تر وابستگی متقابل اقتصادی نیز مستلزم یک رابطه قدرت بالقوه می‌باشد» (نای ۱۳۹۰: ۱۰۱). نتیجه این‌که اداره کردن وابستگی‌های متقابل موضوع مهم استقلال اقتصادی برای کشورهاست که در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی باید به آن توجه شود.

در کتاب مورد ارزیابی مفهوم استقلال اقتصادی تعریف شده است و با مفهوم خودبستگی اقتصادی نیز تمایز قائل شده است (پیغامی ۱۳۹۵: ۱۲۰). در ادامه، با استنادی به بیانات مقام معظم رهبری استقلال اقتصادی معنی شده است.^{۲۰} نویسنده در ادامه (به صورت کلی) داشتن پیوند اقتصادی را با دنیا باعث مقاوم شدن اقتصاد می‌داند (همان: ۵۳). در جای دیگری که به بحث ما مربوط می‌شود، بیان شده است: «نحوه تعامل و قرارگرفتن در آرایش و ترتیبات جهانی یک مسئله بسیار مهم و راه‌بردی است» (همان: ۹۰). در ادامه، از نظام سلطه نام می‌برد و معتقد است که در فضای اقتصاد مقاومتی باید ترتیبات

جهانی را بشناسیم تا بتوانیم مقابل نظام سلطه هم مقاومت کنیم هم بتوانیم آن را عقب برانیم و تهدیداتشان را با تهدید پاسخ دهیم (همان: ۹۲).

۸.۳ رشد و عدالت

رشد و عدالت هم‌پای یک‌دیگر در اقتصاد مقاومتی موضوعیت دارند و مهم هستند. از آن‌جا که توجه به رشد و تولید ثروت در همه مکاتب اقتصادی مورد توجه بوده و هست، توجه ویژه به عدالت در کنار رشد را باید وجه متمایز اقتصاد مقاومتی با دیگر مکاتب اقتصادی معرفی کرد. مقام معظم رهبری در این مورد اشاره دارند که: «این اقتصاد عدالت‌محور است ... عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است ... عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.»^{۲۱}

از آن‌جا که در الگوهای اقتصاد متعارف عموماً نوعی بده - بستان میان دو هدف رشد و عدالت وجود دارد و انواع سیاست‌های معطوف به عدالت با دخالت‌های دولت در اقتصاد (از نوع محدودکننده رشد) هم‌راه است، لازم است تعارض رشد و عدالت در نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی مورد توجه خاص قرار گیرد. در واقع، همه چیز در این‌جا به الگوی رشد ختم می‌شود. تأکید بر عدالت در کنار رشد به نوعی تأکید بر الگوی رشد عدالت‌محور است. به عبارت دیگر، در اقتصاد مقاومتی کیفیت اجتماعی رشد (با محوریت رشد عدالت‌محور) همانند کیفیت زیست‌محیطی آن (در مبحث توسعه پایدار) و هم‌زمان با کمیّت رشد باید مورد توجه دقیق قرار گیرند. عدالت در اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند در عدالت توزیعی (آن هم از نوع توزیع مجدد درآمدها) خلاصه شود و الزاماً باید ردپای آن در همه مراحل قبل از تولید، حین تولید، و پس از تولید دیده شود.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

گرچه در دهه‌های اخیر و به‌ویژه پس از بحران مالی ۱۹۹۷ شرق آسیا مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات اقتصادی جهان با عنوان‌هایی هم‌چون تاب‌آوری اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته است، باید اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» را با عمق مفهومی ویژه آن فقط مربوط به اندیشه اسلام ناب و هم‌پیوند با فرهنگ مقاومت دانست. طرح ایده اقتصاد مقاومتی از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی و درخواست ایشان برای تبیین این ایده به دست دانشجویان

تلاش‌های زیادی را از سال ۱۳۸۹ تاکنون برانگیخته است. این مقاله با تمرکز بر کتاب *درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی* اثر عادل پیغامی نشان داده است که هنوز زمینه‌های بسیاری وجود دارند که در نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی مبهم باقی مانده است. به‌طور کلی، کتاب از نظر شکلی و چاپ و صفحه‌آرایی و حتی پی‌نوشت‌ها مناسب تنظیم شده است و صبغه ارزشی نویسنده در بحث مشهود است.

اقتصاد مقاومتی در فرهنگ سیاسی - اقتصادی جامعه معاصر ایران اسلامی جای خود را باز کرده است، اما موضوعات مهمی وجود دارند که باید از منظر اقتصاد مقاومتی موردبازاندیشی و تبیین مفهومی قرار گیرند که در این مقاله، برخی از موضوع‌های مهم مطرح شده است و پیرامون آن با نگاه به اندیشه‌های مقام معظم رهبری و مطالب ارائه‌شده در کتاب مورد اشاره به‌اختصار بحث شده است.

در مباحث موضوعی مشخص شد که در بیان «ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی» نوعی بیان ایده‌آل‌ها صورت گرفته است که نیاز به واقع‌بینی بیش‌تری احساس می‌شود و بازتعریف دقیق اقتصاد مقاومتی را الزامی کرده است. از نظر آنچه باید اتفاق بیفتد، تبیین لازم از جانب مقام معظم رهبری انجام گرفته است، ولی از نظر چگونگی (به‌مفهوم داشتن الگویی علمی و عملی برای رسیدن به آنچه هدف‌گیری شده است) هنوز کاری جدی انجام نشده است و این همان مفهوم دقیق نظریه‌پردازی است. در صحنه عمل نیز آنچه باید رخ دهد، نوعی تحول فرایندی است که باید در مقاطع کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت انتظارات از اقتصاد مقاومتی مشخص شوند.

در موضوع حدود و ثغور دخالت دولت در اقتصاد به‌نوعی با تضاد در اهداف کارآیی اقتصادی و اثربخشی مواجه هستیم و تعریف اندازه بهینه دخالت دولت برای ایجاد یک توازن منطقی میان کارآیی اقتصادی و اثربخشی ضروری و لازم است. در تحقق اقتصاد مقاومتی مردم مخاطب اصلی هستند و اهداف موردنظر جز با هم‌راهی و مشارکت مستقیم اقتصادی مردم امکان‌پذیر نیست. در عین حال، تعریف الگوهایی برای مشارکت گسترده مردم در اقتصاد از اقدامات مهمی است که باید انجام گیرد.

موضوع حمایت از تولید ملی و تولید داخلی به دفعات در بیانات مقام معظم رهبری دیده می‌شود. توجه به تولید ملی یعنی توجه به سهم کشور از ارزش افزوده و تولید ثروت حاصل از آن و توجه به تولید داخلی یعنی توجه به اشتغال حاصل از تولید، که از نگاه اقتصاد مقاومتی هر دو می‌توانند مهم باشند. در این زمینه نیازمند تعریف و توافق در مورد یک معیار برای تشخیص هستیم.

تحقق اقتصاد مقاومتی بدون تردید نیازمند خرده‌نظام‌های اقتصادی متناسب با خود است؛ از جمله مهم‌ترین این خرده‌نظام‌ها نظام مالی و بانکی، نظام مالیاتی، و نظام ارزی و تجاری است. برخی مقاوم‌سازی‌های اقتصادی نیز سیاست‌ساخته است و عموماً با فاصله‌گرفتن از وضعیت بازار آزاد اتفاق می‌افتد. این موارد انتخاب میان کارآیی اقتصادی و شرایط مقاومت اقتصادی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در این موارد، هزینه مقاوم‌سازی و اندازه بهینه مقاوم‌سازی مطرح است و این همان مفهوم «نسبیت» در مقاوم‌سازی اقتصادی است.

بازتعریف مفهوم استقلال اقتصادی که در اقتصاد مقاومتی بر آن تأکید می‌شود لازم است. با این‌که در کالاهای استراتژیک (مانند گندم در ایران) مفهوم خودکفایی یا خودبستگی پذیرفته است، اما وابستگی متقابل یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر دنیای معاصر است و آنچه باید انجام گیرد اداره‌کردن وابستگی‌های متقابل نامتقارن است.

رشد و عدالت هم‌پای یک‌دیگر در اقتصاد مقاومتی موضوعیت دارند و از آن‌جاکه در الگوهای اقتصاد متعارف عموماً نوعی بده-بستان میان دو هدف رشد و عدالت وجود دارد و انواع سیاست‌های معطوف به عدالت با دخالت‌های دولت در اقتصاد (از نوع محدودکننده رشد) همراه است، لازم است تعارض رشد و عدالت در نظریه‌پردازی اقتصاد مقاومتی مورد توجه خاص قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای بحث مبسوط‌تر در این زمینه، بنگرید به سیف ۱۳۹۳.
۲. مثلاً این جمله در پاراگراف پایانی صفحه ۹۳.
۳. یعنی بیش از سی صفحه از مطالب کتاب عیناً از تارنمای مقام معظم رهبری آورده شده است!
۴. بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۸۹/۰۶/۱۶.
۵. بیانات در دیدار دانشجویان، ۹۱/۰۵/۱۶.
۶. بیانات در دیدار دانشجویان، ۹۲/۰۵/۰۶.
۷. مقدمه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی، ۹۲/۱۱/۲۹.
۸. بیانات ۹۵/۰۸/۲۶ در دیدار مردم اصفهان.
۹. در این مورد، بنگرید به رینجر ۱۳۷۷؛ فریدمن ۱۳۷۸.
۱۰. در این مورد، بنگرید به لیست ۱۳۷۰.

۱۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۰۱/۰۱.
۱۲. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان کشور، ۹۵/۰۱/۲۴.
۱۳. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۰۱/۰۱.
۱۴. بیانات ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.
۱۵. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۰۱/۰۱.
۱۶. در عصر حاضر نوعی ملیت‌زدایی از تولید در حال وقوع است. وجود شرکت‌های چندملیتی در بسیاری از کشورها تولید داخلی آن کشورها را به میزان چشم‌گیری افزایش داده‌اند. در سال ۱۹۹۳ بخش آماری سازمان ملل نیز رسماً معیار GDP را جای‌گزین GNP کرد. این البته به نظر می‌رسد نوعی هویت کاذب‌دادن به کشورهای است که شرکت‌های چندملیتی در آن کشورها جولان می‌دهند. با همین معیار است که امروزه بلوک غرب کشورهای شرق آسیا را به‌منزله الگوهای موفق اقتصادی در چشم دیگر ملت‌ها به رخ می‌کشد.
۱۷. دقیقاً مانند وضعیتی که منحنی امکانات تولید در اقتصاد بتواند به جلو منتقل شود.
۱۸. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نبوده است و در سند چشم‌انداز تعامل سازنده و مؤثر با جهان را آورده است.
۱۹. همان‌طور که نای درخصوص رابطه آمریکا و چین یادآور شده است:

امریکا واردات چین را پذیرفته و بهای آن را با دلار می‌پردازد، و چین دلارها و اوراق بهادار آمریکا را نگه می‌دارد، و عملاً به ایالات متحده وام می‌دهد ... چین می‌تواند با تهدید به فروش دلارها آمریکا را به زانو درآورد، اما با انجام این کار چین نه تنها ارزش ذخایر خود را با سقوط قیمت دلار کاهش خواهد داد، بلکه تمایل آمریکا را به ادامه واردات کالاهای ارزان چینی نیز به‌خطر خواهد انداخت که به معنی از دست رفتن مشاغل و بی‌ثباتی در چین خواهد بود (نای ۱۳۹۰: ۱۰۲).
- هم‌چنین: «آلمان برای یک‌سوم گاز طبیعی خود به روسیه وابسته است، اما دولت این کشور ادعا می‌کند نگرانی چندانی در این مورد ندارد، زیرا این وابستگی متقابل را متقارن می‌بیند. از نگاه آلمانی‌ها، مشتریان کشور مزبور چنان گروه بزرگی هستند که درآمد روسیه با امنیت تقاضای آلمان بستگی دارد، درست به همان میزانی که مشتریان آلمانی به امنیت عرضه روسیه وابسته هستند (همان: ۱۲۰).
۲۰. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۲/۱۰.
۲۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۳/۰۱/۰۱.

کتاب‌نامه

- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پایگاه اینترنتی رهبر معظم انقلاب اسلامی: <farsi.khamenei.ir>.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۳)، درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- رینجر، رابرت جی (۱۳۷۷)، دولت در آئینه واقعیت، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران: فرزانه‌روز.
- سیف، اله‌مراد (۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی، ضرورت‌ها، نقشه راه و زمینه‌های اجرا، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سیف، اله‌مراد (۱۳۹۳)، نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فریدمن، میلتن و رز فریدمن (۱۳۷۸)، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی، تهران: فرزانه‌روز.
- لیست، فردریک (۱۳۷۰)، نظام ملی اقتصاد سیاسی، ترجمه ناصر معتمدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نای، ژوزف ساموئل (۱۳۹۰)، آینده قدرت، ترجمه رضا مراد صحرائی، تهران: حروفیه.